

۲.۸



شورای عالی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جات علوم انسانی

تعمیر در خانوده

غرض از تبعیض

کلمه تبعیض در لغت بهر معنائی باشد از نظر عرف شامل نوعی تفاوت گذاری در شرایط مساوی است . گاهی بین دو فرد در رابطه با امری فرق گذارده میشود بدان خاطر که هریک از این دو فرد خور شاء و مقامی هستند مثل فرق گذاری بین یک کودک و یک جوان در امر تغذیه . اگر سه کودک خرد سال ۲ سیر غذا بخورانیم به جوان ۱۰ سیر غذا خواهیم داد . و این تفاوت گذاری است ولی امری است معقول و پسندیده .

ولی گاهی تفاوت گذاری از نوع تبعیض است بدین معنی که دو کودک صاحب حق در خانواده یکی را سیر کنیم و آن دیگری را گرسنه نگهداریم یا بیک طفل محبت رواداریم و آن دیگری را از آن محروم نمائیم . از نظر اسلام تفاوت چون ناشی از گیرنده است جایز و تبعیض چون ناشی از دهنده است امری ممنوع است .

این امر در تربیت هم صادق و عوارض آن ناشی از تبعیض است که میتوان گفت امری ضایعه آفرین و حرام است . طبعاً خانواده‌ای که در آن تبعیض وجود دارد خانواده‌ای نابسامان است .

جلوه های تبعیض :

تبعیض در خانواده بصورت‌های مختلفی ممکن است متجلی گردد .

— گاهی بصورت تبعیض در جنس است مثلاً " فرق گذاری بین پسر و دختر و برتری دادن یکی بر دیگری .

— زمانی بصورت اعمال محبت و بازی با

کودک است مثل اینکه پدری یا مادری به یک فرزند خود اجازه دهد که از سرودش او بالا رود و آن دیگری حتی حق اظهار نظر نداشته باشد .

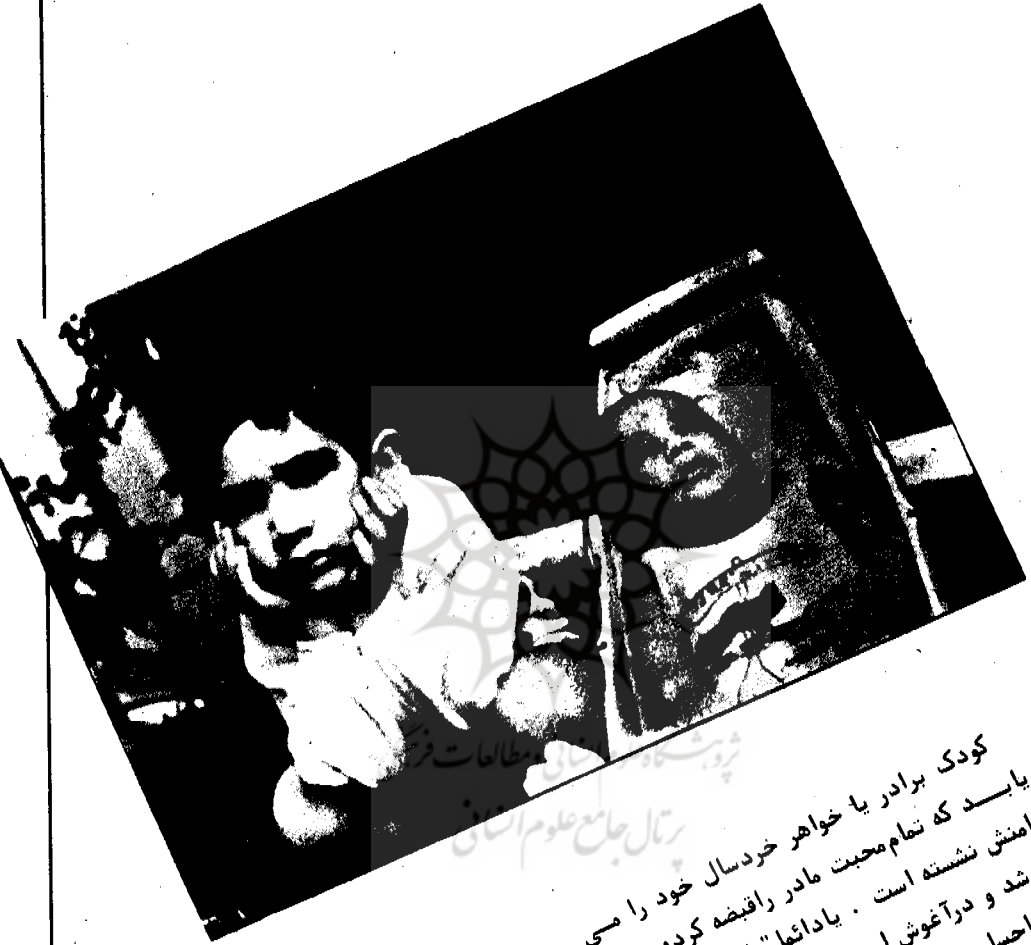
— در مواردی تبعیض بصورت بهره‌مند کردن کودک از مزایای حیات است مثل به گردش بردن تهیه لباس گران قیمت و زیبا برای یکی و محروم داشتن آن دیگری .

— زمانی ترجیح دادن یکی بر دیگری است بدان خاطر که مثلاً " تنها پسر خانواده در بین چند دختر است و یا برعکس و بهمین ترتیب جلوه های بسیار دیگری را در این رابطه میتوان برشمرد که هر کدام بنحوی برای کودک و حیات حال و آینده او صدمه آفرین است .

احساس تبعیض در تولدی جدید

بانوئی که حامله و قرار است فرزند دیگری بدنیآ آورد از قبل باید زمینه‌ها و شرایط پذیرش آن را برای کودک قبلی فراهم سازد این امر بدان خاطر است که طفل قبلی وجود این کودک را مزاحم خود دانسته و هم اعمال محبت والدین را نسبت به او نوعی تبعیض و حتی ستم بحساب می آورد .

این امر در رابطه با دو کودکی که تفاوت سنی بسیار دارند چندان محسوس نیست وای چه بسا که فرزند بزرگتر خرسند و شادمان باشد که کودکی خردسال ، همانند اسباب بازی او بدنیآ آمده و میتواند موجبات شادابی و نشاط او را زهر حیات فراهم آورد . دشواری بهنگامی است که تفاوت سنی اندک و برای کودک علت محبت و رسیدگی بیشتر نسبت به این طفل خردسال قابل درک نباشد .



از مهر و عنایت مشابه برخوردار نیست . در صورتیکه اگر والدین برای او به زبان کودگانه‌ای تفهیم نمایند که چرا نسبت به این کودک جدید مراقبت بیشتری روا میدارند مسأله حل شده و زمینه‌ای برای نابهنجاری او باقی نخواهد ماند .

کودک برادر یا خواهر خردسال خود را می‌باید که تمام محبت مادر را قبضه کرده و سر دامنش نشسته است . یادانما " از پستانش شیر مینوشد و در آغوش اوست و این خودسبی است که او احساس کند مظلوم و بی حمایت شده و

برهکار در بازجوئی های خود از علل انحراف و ارتکاب بزه میگفت: پدرم بصورتی آشکاره برادرم امتیاز میداد و مرا به گریه وامیداشت.

عوارض و آثار آن

تبعیض بهر صورتی و بهر علتی که انجام شود زمینه را برای پیدایش بسیاری از عوارض و ضایعات فراهم کرده و موجب صدمه ای برای کودک است. برخی از آنها آرزو میکنند که ای کاش زنده نبودند و تبعیض والدین رادر رابطه با خود احساس نمی کردند. نابسامانی های رفتاری، عدم حرف شنوی ها، خرابکاری ها، بی اعتنائی نسبت به والدین، گریز از خانه، و ده ها مورد، از مسائل نابهنجار و محصل تبعیض هاست. برخی از اینان که در جنبه تبعیض شان بسیار و احساس محرومیت آنان در سطح غیر قابل تحملی باشد واکنش های خطرناکی از خود بروز میدهند. مادرذیل با رعایت اختصار به ذکر پاره ای از این عوارض در رابطه با کودکان می پردازیم.

۱- در جنبه روانی

بهنکامی که شما در خانواده کودکی را بر کودکی دیگر ترجیح میدهید این امر در روح طفل اثری منفی وارد میکند تا حدی که ممکن است به اشکالات و اختلالات روانی منجر گردد. غلبه نوعی ترس و بدنبال آن تهاجم، امری است که در بسیاری از کودکان دیده میشود. بزبان روانشناسی او در سایه این تبعیض امنیت و حیات خود را بخطر می بیند و پناه تهاجم خویش

علل تبعیض

اینکه چرا برخی از والدین درباره کودکان خویش تبعیض روا میدارند پاسخ های متنوعی رادر این رابطه میتوان عرضه کرد که از جمله موارد ذیل است:

جهل و نادانی والدین و غفلت آنها از حقوق کودکان خویش

حساسیت و تعصب نسبت بیک جنس مثلا " دوست داشتن پسر و ناخواسته بودن دختر و یا برعکس

مشکل آفرینی برخی از کودکان در مقایسه با کودکان دیگر برای والدین که خود بخود زمینه را برای دلسردی آنان فراهم می آورد.

زیبائی و یا خوشزبانی یک کودک که توجه والدین را بخود معطوف داشته و حتی سبب فخر و مباهات آنها میشود و یا قادر است مجلس آنها را گرم کند.

ناخواسته بودن طفل بگونه ای که همیشه برنامه های آنها را بهم زده و زندگی شان رادر هم ریخته است.

وجود گروه بندی در محیط خانه توسط پدر و مادر که هر کدام سعی دارند توجه طفل را بسوی خود جلب نمایند و در این کشمکش ها تنها کودک است که ضرر می بیند و احساس تبعیض میکند.

دلایل دیگری هم در این رابطه قابل عرضه است ولی در ک احساس کودک از تبعیض احساس ظلم است، احساس بی مهری از والدین است، احساس زیادی بودن در محیط خانواده و درکل برای او مایوس کننده است. کودکسی

میخواهد خود را نکه دارد و نگذارد که وضعی ناخواسته برای او پدید آید . روان او از این امر کسل و قلباً " از این امر والدین متنفر است آرزو میکند که ای کاش توان انتقام فوری و درجا را برای آن داشته باشد .

۲- درجبه رفتاری :

کودگانی که مورد تبعیض قرار میگیرند در بعد رفتاری حال و وضعی بهنجار ندارند . در مواردی ممکن است تن به رفتاری دهند که مورد توقع و انتظار نیست . ممکن است دختری ترجیح دادن پسر را بر خود در خانه از والدین دیده باشد و ناخود آگاه سعی کند خود را در قالب پسری قرار دهد و رفتار پسرانه داشته باشد و برعکس و این خود رمز پسر نمائی ها توسط دختران و دختر نمائی ها توسط پسران است . هم چنین این وضع در آنان این تصور رازنده میکند که یکی بر دیگری ذاتاً برتری دارد و این تصور رفتار او را غیر عادی و نابهنجار کند : رفتارش در مواردی ضد اجتماعی است .

۳- درجبه عاطفی :

کودکان در معرض تبعیض در زندگی محدود خود احساس ناامنی دارند و این امر در آنها گاهی رجعتی برای بازگشت به دوران کودکی ایجاد میکند که خیس کردن بستر از آثار آن است . حسادت های کودکان که گاهی خطراتی در حد مرگ و کشتن به همراه دارد در مواردی ناشی از احساس تبعیض هاست . چون مادر به کودک خردسالی بیشتر مهر می ورزد آن کودک قبلی احساس تبعیض دارد و حسود میشود . از آثار و عوارض تبعیض کینهها ، احساس

حقارت ها ، و رنجش هاست که حتی میتواند زندگی آینده طفل را تحت تاثیر قرار دهد، بدبینی و بدخواهی از عوارض دیگر آن است ، خشکی و غیر قابل انعطاف بودن ، کارشکنی ها و مناقشه ها ، احساس لذت از سقوط دیگران تخریب و انحراف ، برهم خوردن روابط عاطفی اعمال قدرت و زور در رابطه باضعفا و در یک عبارت کلی و برانی عاطفی از عوارض دیگر تبعیض هاست .

۴- درجبه اجتماعی :

کودگانی که در محیط خانواده تبعیض می بینند در بعد اجتماعی نمی توانند افرادی عادی و بهنجار باشند. در زندگی با دیگران دچار اختلاف ، درگیری ، عدم صفا و صمیمیت اند . همه افراد را با دید بغض و عداوت می بینند ، اصل را برای معاشرت افراد بر سدیبینی می گذارند مگر آنگاه که بازحمت و در دراز مدت خلاف آن برای شان اثبات شود .

ناسازگاری با دیگران ، سعی به رقابت و سبقت - جوئی تلاش برای پس زدن دیگران و پیشروی خود بهر قیمت و بهائی که تمام شود از خصایص حیات اجتماعی آنهاست . احساس دوگانگی والدین با خود ، و ندیدن صفا از آنان و احساس مظلومیت درباره خود، از اموری هستند که سبب میشوند او نتواند قضاوت مناسبی در رابطه با دیگران داشته باشد .

۵- در رابطه با تخلف و انحراف :

و بالاخره کودکانی که در محیط خانواده تبعیض می بینند این امر میتواند زمینه ای برای پرورش

از تبعیض درباره کودکی که قدرت مقابله و توان عرضه نقاط مثبتی برای جلب نظر ندارد باید جدا پرهیز کرد .

پدران و مادران نیکو میدانند که کودکان یک خانواده بیش از آنچه که آنها تصور می کنند باهم تفاوت دارند و این تفاوت نباید سبب تبعیض در رعایت حقوق گردد . طفل در خانواده باید احساس مقبولیت نماید و وقتی که چنین شرایطی برای خود فراهم نبیند احساس نگرانی کرده و چنان خانواده‌ای از نظر سرمایه‌بازمان است .

در بینش اسلامی ، کودکان اگر چه خردسالند ولی انسانند و با انسان معامله یک انسان باید بشود . کودک را باید با شخصیت دانست و برای او حقوقی قائل شد . ضعف و خردسالی آنها ، طفولیت و اندام کوچک ، و از همه مهمتر ظرفیت روحی کوچک آنان نباید سبب شود که او از حقوق خود محروم بماند .

تبعیض موازنه احساسات کودک را بهم میزند و عقل و منطق را تحت الشعاع قرار می‌دهد ، سلامت روانی کودک را بخطر انداخته ، از شادی و شادگامی اینان میکاهد . بر والدین ضروری است که امیال کودکان را رعایت کنند و از رفتاری نارسا انگیز احتراز نمایند . چه فایده بر عملی کهنفعی برای یک کودک فراهم نمی‌کند ولی منافع آن دیگری را بخطر می‌اندازد .

اسلام و تبعیض کودکان

اسلام تبعیض را از زوایا اخلاقی می‌داند و به آن‌بندیده نفرت می‌نگرد . این امر را در رابطه

جرم و بزه درآنان باشد . چنین افرادی در صدمه وارد آوردن بر دیگرانند تا بدان وسیله خواسته درونی خود را تشفی بخشند . چون جاهلند و کم تجربه نمی‌توانند حساب‌هر کس را با خود او تصفیه نمایند و بهمین نظر دودانتقام او بچشم دیگران هم می‌رود . گاهی اینان عکس العمل‌های شدید نسبت به فرد مینغوز خود نشان می‌دهند . مثلاً " دیده شده که چشم فرزند خردسال را کور کرده و بر او صدماتی غیر قابل جبران وارد آورده‌اند و این همداری برای مراقبت بیشتر والدین از کودکان مورد حسادت است .

تبعیض کودکان را به فساد می‌کشاند ، ترجیح یکی بر دیگری سبب تحقیر اوست و تحقیر و احساس حقارت خودش منشأ بسیاری از نابسامانیهاست . تبعیض فرد مه‌ر دیده افراطی را لوس می‌کند ، حسادت آن دیگری را بر می‌انگیزاند و ناراحتش می‌سازد . در کل شخصیت آنها به وضعی ناجور و نامتعادل است تا حدی که نمی‌توانند خود را در سلسله شرافتمندان نگاه داشته و از افراد عادی جامعه باشند . اینان خود را در رفتار نابهنجار خود محق میدانند و بهمین جهت هر عملی را که انجام می‌دهند با اینکـه خلاف و نارواست مشروع قلمداد می‌نمایند .

ضرورت پرهیز از تبعیض :

رشد تبعیض در خانواده و در سطح اجتماع باید از بیخ و بن کنده شود از آن بابت که ریشه مفاسدی بسیار است . در این امر مخصوصاً

در جلسه مشورتی انجمن اولیاء و مربیان مدرسه ای نامه‌ای مطرح شد که همه رامتا شرکت کرد. پدری در حالیکه اشک در چشمانش حلقه زده و بغض گلویش را می فشرد گفت: پسر م بعد از اعلام نتیجه آخ رسال و مردود شدن دیگر به منزل نیامد. خدامی داند به من ، مادرو خواه و برادرهایش چه گذشت . ولی از خدامی خواستیم اورا کمک کن و بقبول بعضی ها حالا که رفته زندگی را خود شروع کند شاید خود ساخته شود . اما امروز نامه او آمد و آتش جمع ما را دو چندان کرد

پیوند ؛ ضمن تشکر از مدرسه گفته پدر و نامه فرزند را بدان امید عینا " بازگو می کند که آنچه از دل برآید لاجرم بر دل نشیند . و آرزومندیم که ما از تجربه های تلخ و شیرین دیگران بیاموزیم تا راه رفته را دگر باره نپوییم .

کجا امیر مسک کجاست؟
 لاله با چه چیز میبویید؟

پدر ، مادر ، سلام

خیلی معذرت می خواهم که مدتی شمارایی اطلاع گذاشتم . چندی است در رستورانی کمک آشپز شدم چون جاومگانی نداشتم مدیر رستوران موافقت کرد در آشپزخانه بخوایم . مادر از آن روز که از شما جدا شدم مثل اینکه چیزی کم کرده باشم ، سرگردانم ، از بس روزها کار میکنم و ظرف میشویم شبها مثل مرده کف آشپزخانه میافتیم ، اما با تمام این خستگیها و حرفهای تند



وخن سرآشپز خاطرات مدرسه و هم شاگردیهای کلاس و قیافه آقایان معلمین جلوی چشم است. مادردستم در اثر ریختن آب جوش تاول زده و بشدت دردمیکندگاش بسودی و میدیدی علی توبه چه حال و روزی افتاده است . و اما پدر با اینکه برای تامین زندگی ما زحمت زیادی می کشیدی ولی شمارانمی بخشم چراکه توقع داشتی چون نان آورخانه هستی همه حرفهای شمارا بدون چون و چرا انجام بدهند ولی خدامیدانند چه اتفاقی می افتاد. بهر حال رفتار خود خواهانه و سختگیریهای بیجا و توجه نکردن به موقعیت و سن و سال و مرا به چشم بچه نگاه کردن، مرا از خانه گریزان کرد تا اینکه ناچار شدم بخاطر فرار از محیط دلهره و اضطراب و بی توجهی اطرافیان به کوچه - سینما - این گذروآن گذر - این خیابان و آن خیابان پناه ببرم و وقت خود را بیهوده تلف کنم و در نتیجه از درس عقب افتادم تا اینکه ناچار شدم مدرسه را رها کرده بدنبال کم شده خود بروم .

مادر خیلی پشیمانم که مدرسه را رها کردم امروز جعفر و رضا و هم شاگردیهای دوران مدرسه را در رستوران دیدم آنها دانشگاه قبول شدند بعد از اینکه از آنها جدا شدم به انبارسالای رستوران که جای نگهداری مواد غذایی بود رفتم و تا توانستم بحال خود گریستم . مادر مرا دعاکن شاید بتوانم جبران گذشته خود را بکنم .

علی تو.....

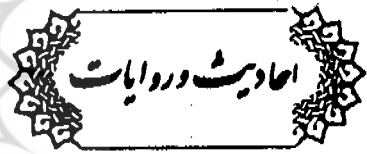
لَا تَمْنَحُ فَيَذْهَبَ نُورُكَ

شوخی مکن که نور و ارزشش تو از زمین میسر د

پرتوبه فعلیت در آوردن قوه‌ها و استعدادها است. در حقیقت انسانها همانند معادنی هستند که ارزشمندی آنها وقتی ظهور و بروز میکند که معادن استخراج شده گوهرهای آن بیرون آورده شود. روی این اصل میتوان ادعا کرد که بسیاری از افراد نه تنها فاقد هرگونه ارزشمندی هستند بلکه از رده حیوانات نیز پست تر میباشند.

علامه طباطبائی در تفسیر المیزان می‌فرماید انسانی از فرشته برتر و والا تر است که همه استعدادهای خود را از قوه به فعلیت در آورده باشد. چنین انسانی از فرشته برتر خواهد بود و الا افرادی که از نیروهای درونی خود بهره نمیگیرند و تنها هدفشان خوردن و آشامیدن و ارضاء غرایز حیوانی میباشد علاوه بر اینکنه از فرشتگان برتر نیستند بلکه از رده حیوانات نیز پست تر خواهند بود.

خداوند در سوره منافقین آیه ۸ می‌فرماید :
ولله العزة و لرسوله و للمؤمنین یعنی شوکت و



انسان موجودی محترم و با شخصیت است تمام تلاش و کوششهای او بر محور آبرو و حیثیت دور میزند. بسیاری از افراد حاضر هستند گرسنگی‌ها و تشنگی‌ها و محرومیت‌ها را تحمل نمایند ولی حاضر نیستند کوچکترین لطمه‌ای به آبرو و حیثیت آنان وارد شود. حالا باید دید این آبرو چگونه بدست آمده و چگونه می‌توان آن را حفظ نموده و نگه داشت.

خداوند در قرآن مجید درباره ارزشمندی انسان می‌فرماید: **وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ عَلَي كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا هُمَا نَا انْسَانَ رَا بَرَسِيَارِي اَز مَخْلُوْقَاتِ بَرْتَرِي وِ الْاَلَائِي بَخْشِيْدِيْم. بَدِيْهِي اَسْت اِيْن كَرَامَتِ وِ بَزْرگَدَاشْتِ بَر اَثَرِ تَجْهِيْزَاتِ وِ نِيْرُوْهَائِي اَسْت كِه خَدَاوَنْدِ دَر عَمْقِ جَانِ اِنْسَانِ قَرَارِ دَاَدِه اَسْت وِ بَسِيَارِ وَاضِحِ اَسْت كِه اِيْنِ اَرْزَشْمَنْدِي دَر**

علاوه بر اینکه برای دیگران احترام و شخصیت قائل میشوند بلکه احترام و شخصیت خود را نیز محفوظ نگه دارند. خداوند برای مؤمن احترام و شخصیتی قائل است و هرگز راضی نیست که مؤمن با انتخاب روشی و انجام عملی خویشتن را خوار و ذلیل بسازد:

بنابراین رسالت ایمانی ایجاب میکند که آدمی همه انسانهای مؤمن را محترم دانسته و در ارتباط با آنها شخصیت و حرمت آنان را بطور کامل رعایت نماید. امام جعفر صادق علیه السلام از امیرالمومنین (ع) نقل میکند که روزی دونفر مهمان بر علی علیه السلام وارد شدند حضرت با احترام آنان برایشان وساده و پشتی آورده از آنها تجلیل بعمل آورد. یکی از آن دونفر از متکا و پشتی استفاده کرد ولی دیگری از استفاده آن امتناع ورزید. علی علیه السلام بر او تاءکید نمود که از آن استفاده نماید زیرا انسان عاقل و هوشمند کرامت و بزرگداشت دیگران را که درباره او بعمل میآورند بپذیراشده ، با همه وجود آن را قبول خواهد کرد و این انسان غیر عاقل است که اکرام و کرامت دیگران را رد میسازد .

لذا علی علیه السلام پس از آنکه سه آن مسلمان دستور داد که از آن وساده و متکا استفاده نماید: فرمود لایابی الکرامۃ الاحمار . در برخی از روایات اسلامی آورده شده که شخص مؤمن نباید مزاح و شوخی خارج از حد معقول انجام دهد زیرا اینکار موجب میشود که ارزش و بهای شخص مؤمن بیاد رفته ابهت و عظمت او تقلیل یابد. امام موسی کاظم علیه السلام فرمود ایاک و المزاح فاته یدهب بنور ایانک از شوخی و مزاح پرهیز کن چه

عظمت از آن خدا و پیامبر و مؤمنین میباشد از صمیمه کردن این آیه و لقد کرمتنا بنی آدم می توان این گونه استفاده کرد که انسان برتر و والا کسی است که وجود خود را مزین به زیور ایمان کرده باشد. بنابراین عزت در برتنوایمان راستین است و ایمان راستین نیز در برتنو تعدیل غرائز و تمایلات بوجود میآید و بعبارت دیگر تا انسان ها خویشتن را سازند و تمایلات افراطی خود را دربند نکنند هیچگاه به ایمان راستین دست نخواهند یافت .

امام جعفر صادق علیه السلام ذلت و خواری انسان ها را در برتنو تمایلات ناروا و افراطی میداند لذا میفرماید: ما اُفِیْحُ بِالْمَوْءِ مِنْ اَنْ تَكُونَ لَهُ رَغْبَةٌ تَذَلُّهُ . یعنی جقدر زشت است که شخص مؤمن تمایل و رغبتی افراطی داشته باشد که او را به ذلت و خواری بيفکند .

از این روایت هم بستگی بین ایمان و عزت و شرف انسان استنباط میگردد. چه هر قدر انسان از گناه و معصیت برکنارتر باشد شرف و عزت او محفوظ تر خواهد ماند. لذا بی جهت نیست که بزرگترین استاد اخلاق تمام سعی و تلاش خود را مصروف ترک گناه و معصیت داشته به همه انسان ها تاءکید و توصیه میکرد که تا انسان ها خود را از گناه و معصیت برکنار ندارند هرگز به عزت و شرف دست نخواهند یافت. علی علیه السلام در فریاضی از نهج البلاغه میفرماید:

اِنَّمَا الدَّلِيلُ مِنْ ظَلَمٍ هَمَانَا اِنْسَانَ ذَلِيلًا وَخَوَارِ كَسِي اسْتِ كِه سْتَمْكَرِي نَمُودِه قَدَم خُودِرَا اَز مَسِيرِ اِنْسَانِي وَ اِيْمَانِي فَرَاتْر نِهِنْد .

از هم این مقدمات استفاده میشود که انسان مؤمن محترم بوده خداوند برای او شخصیت و شوکتی قائل است. همه انسان ها موظف هستند

پدر و مادر و عتیاد فرزندان

مشکل اعتیاد به عنوان یک پدیده مهلک و مخرب که نتایجش میتواند اثرات بسیار سوئی در زمینه‌های سیاسی - اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی جامعه داشته باشد در هر جامعه‌ای مطرح است . معمولاً " گروهی که بیش از سایر گروه‌ها در برابر این پدیده خطرناک " آسیب پذیرند " همانا " گروه جوانان " یک جامعه میباشد .

با توجه به آسیب پذیری جوانان ، آموزش پیشگیری برای این گروه از اولویت خاصی برخوردار است و چنانچه کمیته متخصصان پیشگیری از اعتیاد یونسکو در جلسه سال ۱۹۸۱ نظر داده‌اند ، " توسعه آموزش بهداشت و پیشگیری در هر کشور بخصوص برای گروه جوان ضروریست ."

ترجمه از:

زهرا هوجد



بطور کلی وقتیکه صحبت "از گروه جوان" میشود به نظر کارشناسان یونسکو مقصود افرادی بین ۱۵ تا ۲۰ سال است که گروه وسیعی از جمعیت جهان یعنی حدود ۸/۵ درصد از جمعیت کشورهای پیشرفته و ۱۰/۹ درصد از کشورهای در حال توسعه را تشکیل میدهند.

هدف از انتشار این مطالب ، کمک بوالدین برای پیشگیری گسترش اعتیاد در بین گروه جوان میباشد . گسترش مصرف غیر قانونی و نابجای داروها شامل داروها و مواد اعتیاد آور ، بمنظور استفاده غیر پزشکی از جمله مصرف حشیش - دخانیات - مشروبات الکلی ، کوکائین - هروئین ، قرصهای خواب آور ، قرصهای محرک ، قرصهای ضد - اشتها ، و ... در بین جوانان لزوم هشدار به والدین را ایجاب مینماید . هرچند که در این نشریه پاسخ کلیه پرسش هادرمورد مصرف مواد مخدر و داروها و مشکل اعتیاد ارائه نشده است ولی مطالب این نشریه بدون شک و تردیده افزایش آگاهی والدین در این زمینه کمک خواهد کرد .

آیا والدین میتوانند از اعتیاد جوانان پیشگیری کنند؟

بلی - در حقیقت والدین بهترین حافظ و حامی و هادی گروه جوان در برابر خطرات و انحرافات بشمار اجتماعی از جمله اعتیاد و استفاده نابجای داروها ، میباشد .

چگونه میتوان حالت مقاومت را در کودک و نوجوان بوجود آورد؟

با ایجاد احساس محبت و با کوشش در افزایش درجه "اعتماد بنفس جوان و ارتقاء ارزشهای فردی" او میتوان در جوان در برابر فشار گروه همگن در رابطه با "تجربه" مواد مخدر ایجاد مقاومت نمود .

هرچند ذکر این نکته ضروری است که علیرغم کوشش والدین فشار گروه همگن میتواند نفوذ و تأثیر بسزائی در کودک داشته باشد . زیرا بیشتر معتادان جوان اطلاعات مربوط به مواد مخدر و "تجربه جدید" را از طریق دوستان خود کسب میکنند و بوسیله آنها معتاد میشوند . از اینرو نقش والدین در خنثی ساختن این فشار و نفوذ از اهمیت زیادی برخوردار است .

والدین چه اقدامات دیگری میتوانند انجام دهند؟

چون یکی از انگیزه های روی آوردن جوان به مواد مخدر "انگیزه کنجکاوی" است ، دادن اطلاعات در این مورد خود به تنهایی نه تنها کافی نیست بلکه

مشروبات الکلی توسط کودکان و نوجوان خانواده باشد که دریافت و تشخیص آن نیاز به هشیاری و آگاهی والدین و دقت نظر آنان در رفتار و اعمال جوان دارد. مثلا "چنانچه پدر و مادری در متعلقات خصوصی کودکان سیگار، دارو، مواد و یا مشروبات الکلی بیابند، با احتمال زیاد این میتواند زنگ خطر و هشدار در مورد مصرف نایجای مواد یا دارو توسط کودکان باشد.

برخی علائم هشدار دهنده در این مورد عبارتند از:

- تغییر ناگهانی در رفتار و خلق و خوی کودک .
- تعلل و تاخیر یا عدم حضور در مدرسه و یا در محل کار .
- ایجاد یک مقاومت ناگهانی در برابر مقررات و دیسپلین موجود در مدرسه و خانه .
- سرعت خشمگین شدن و از جادر رفتن .
- عدم توجه به وضعیت جسمی و ظاهری

- قرض پول از والدین، دوستان بطور فزاینده و انجام سرقتهای کوچک در مدرسه، خانه و یا محل کار .

- آمیزش و رفت و آمد با یک گروه ویژه و دوستان جدید اغلب بیشتر افرادی که سابقه مصرف مواد مخدر و یا داروهای اعتیاد آور

(کلاسهای چهارم و پنجم) است آغاز شود . زیرا بدون شک آنان از طریق همسالان خود در جریان یکسری اطلاعات ناصحیح در این مورد قرار میگیرند. پس چه بهتر که این اطلاعات بطور صحیح و از طرف والدین در اختیار آنان گذارده شود .

والدین چگونه میتوانند از مصرف نایجای دارو و مواد مخدر توسط کودکانشان آگاه شوند و عکس العمل و واکنش آنان در این مورد چگونه میبایست باشد؟

بسیاری از شواهد و آثار میتواند نشانگر مصرف دارو و مواد مخدر و



سوغات
امپریالیسم؟

ممکن است اثر سوء نیز داشته باشد و موجب کشش جوان به مصرف برای رفع انگیزه "کنجکاوی" باشد. در صورتی که چنانچه ارائه این اطلاعات بر اصولی صحیح انجام پذیرد، ضمن ارضای حس کنجکاوی جوان، او را به اثرات و عواقب ناخوشایند مواد مخدر نیز آشنا میکنند .

والدین میتوانند با دادن اطلاعات و آگاهیهای صحیح و کافی در مورد اثرات زیانبار داروها و مواد مخدر و عواملی که منجر به اعتیاد جوان و مشکلات وی میگردد کودکان را روشن و آگاه سازند و آموزش دهند بدین منظور لازم است که ابتدا والدین خود اطلاعاتی صحیح در این زمینه داشته باشند، این بدان معنا نیست که ضرورتا "یک متخصص در این زمینه باشند. بلکه بهمان حد که حقایقی در این مورد بدانند میتوانند کمک و راهگشای آنان در این زمینه باشند .

والدین باید قبل از اینکه کودکانشان با "مشکل" مصرف نایجای دارو روبرو شود با او صمیمانه صحبت کنند و او را از خطرات آگاه نمایند. این آگاهی و آموزش میتواند حتی از زمانیکه کودک در کلاسهای آخر ابتدائی

برای تو می‌بایم که بتوانی در برابر دوستانت که بتو پیشنهاد مصرف دارو می‌کنند جواب "نه" داده و از خواسته آنان امتناع ورزی.

د - خود آزمایی:

والدین با خود فکر کنند که آیا مصرف مواد از طرف کودکم نتیجه مصرف مشروبات الکلی و یا مواد مخدر و داروهای اعتیاد آور توسط من بوده است؟ آیا این امر موجب یک بدآموزی در کودک نوجوان نشده است؟ آنچه که والدین نباید انجام دهند:

الف: طعنه و کنایه زدن

به کودک گفته شود: "فکر نکنی من نمیدانم تو چه کرداری میکنی....؟"

ب: نسبت اتهام

به کودک گفته شود: تو بمن دروغ میگویی...."

ج - برانگیختن احساسات و عواطف:

به کودک گفته شود: "تونمیبینی که این عملت چقدر باعث ناراحتی من شده است...؟"

والدین در صورت اطمینان از مصرف نابجای مواد و داروهای مخدر و اعتیاد آور، بوسیله کودکان و نوجوانان شان چه میتوانند انجام دهند؟

اولین قدم اینستکه پدر و مادر با صراحت علت نگرانی شان را در مورد مصرف دارو یا مواد به کودک خود توضیح دهند و باو بگویند که مصرف این داروها و مواد تاچه اندازه اثرات زیانبار و مخرب بر روح، جسم و رفتار اجتماعی او دارد. همچنین با صراحت، موضع مخالفت آمیز خود را نسبت به چنین عملی بیان دارند. آنچه که در اینمورد والدین میتوانند انجام دهند:

الف - درک کودک:

باو بگویند: "من میدانم که تو از طرف دوستانت تحت فشارهای گوناگون برای مصرف مواد قرار گرفته‌ای و برای همگامی با آنان تو این عمل را انجام داده‌ای"

ب - سختگیری:

باو گفته شود "بعنوان یک پدر و یا مادر من نمیتوانم بتو اجازه دهم که در فعالیتهائی که بحالت مضرت وارد شوی"

ج - حمایت:

باو بگویند: "من یک راهی

دارند.

باید توجه داشت که باآنکه این علائم میتواند هشداری نسبت به گرایش کودک و نوجوان به مصرف مواد و داروهای اعتیاد آور باشد، همچنین میتواند واکنشهایی از مشکلات و تغییرات خلق و خوی جوان در سنین بحرانی بلوغ نیز باشد. که باید این دوازم مشخص و متمایز گردند. هر چند که بحرانهای ناشی از بلوغ خود میتواند عاملی در ایجاد مشکل مصرف مواد و دارو برای نوجوان و جوان محسوب گردد. از اینرو باید توجه داشت که بخصوص در دوران بلوغ که نوجوان دچار مشکلات و بحرانهایی میگردد وظیفه بزرگتران ایجاب میکند که بطور منطقی و صحیحی با جوان و مشککش روبرو شوند و او را برای گذراندن یکدوره آرام و بیخطر کمک و یاری دهند. بهر حال پدر و مادر میتوانند با نظارت دقیق و تحت نظر و کنترل داشتن کودک و صحبت با او در مورد مشکلاتش که یکی از این مشکلات میتواند همان مصرف مواد مخدر باشد، نسبت به شناخت مشکل کودکشان آگاه شوند و در صورت اطمینان از ابتلا کودک به مصرف مواد، بموقع به یاری او بشتابند.

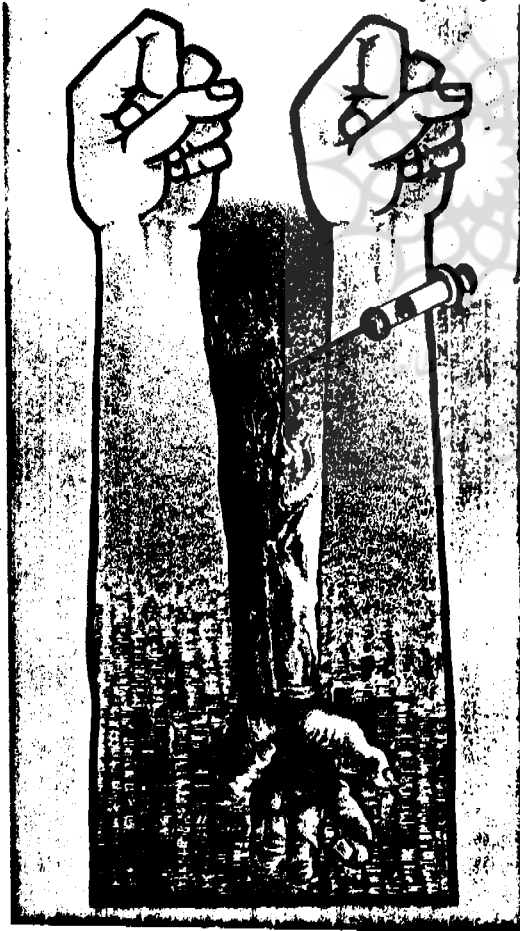
موتری به حل مشکل میکند.

والدین از چه افراد و منابعی
میتوانند برای حل مشکل کودکشان
کمک گیرند؟

در این زمینه والدین میتوانند
از کمک روانشناسان، روانپزشکان
مددکاران اجتماعی، مراکز مشاوره
و راهنمایی کودک و سایر
متخصصین تعلیم و تربیت کودک
سود جویند.

یکی از مشکلات کودک باشد، این
کنترل و نهی از معاشرت و ترک
خانه موجب میشود که کودک
اجباراً " از آن گروه حداقل برای
مدتی جدا شود.

چنانچه مشکل چنان باشدکه
والدین به تنهایی از عهده حل
آن برنمایند، میتوان از خدمات
متخصصین در این زمینه کمک
گرفت. مشاوره با مددکاران
اجتماعی و متخصصین در این
مورد و نقش واسطه‌ای آنان بین
" والدین " و " کودک " کمک



د - خودملا متسی :
به کودک گفته شود : " تمام
اینها ، تقصیر خودم است . "

بخاطر داشته باشید چنانچه
فرزند شما دارو و مواد مصرف
میکند بدون شک او به کمک شما
نیاز دارد. همچنین خود شما
نیز احتمال دارد نیاز به کمک
سایرین داشته باشید. در اینحال
مشاوره و همکاری با سایر والدینی
که مشکلی مشابه شما دارند
میتواند برایتان راهگشا و کمک
باشد.

چگونه والدین میتوانند
کودکانشان را از مصرف نابجای
دارو باز دارند؟

یکی از موثرترین تنبیهات در
مورد کودکی که از مقررات
و دستورات والدین در مورد عدم
مصرف داروها و مواد، سرپیچی
مینماید، قذغن کردن کودک از
انجام بسیاری از اعمال است. از
جمله عدم ترک خانه، اجبار به
حضور در خانه، عدم معاشرت با
دوستان و . . . پس از آن صحبت
با کودک است. در اینمورد حتی
میتوان از دوستان صالح و شایسته
کودک کمک گرفت.
چنانچه فشار گروه همگن خود

این داروها و مواد آنچنان
بسرعت تولید عادت مینمایند
که براحتی میتوانند دختر یا
پسر جوان هر خانواده رامبتلا
سازند .

مانع دیگر در سر راه این
گونه والدین اینستکه اغلب
آنان تصور مینمایند که مشکل
مصرف نایجای دارو توسط
کودکانشان بقدری عظیم است
که آنان ازعهدهمقابلیه با آن بر
نمی آیند، در حالیکه این تصور
درست نیست و حقیقت ندارد .
کار گروهی والدین در این زمینه
میتواند بهر یک از آنان در حل
مشکشان کمک نماید .

فرزندشان رابطه برقرار سازند
میتوانند همگی با همکاری هم در
از بین بردن مشکل موفق شوند .
از سوی دیگر آنان میتوانند از
بشتیبانی و کمک همدیگر بهره مند
و دلگرم شوند .

مواعی که در سرراه والدین
کودکان گروه همکن وجود دارد
کدامند.....؟

مهمترین آن عدم آگاهی است
مناسفانه بسیاری از والدین
تشخیص نمیدهند که کودک آنان
ممکن است درگیر این مشکل شده
باشد و نمیدانند که مصرف دارو
بآسانی قابل اشاعه است و اغلب

همکاری و همگامی با سایر والدین
در جهت بازداشتن کودک از مصرف
نایجای دارو چگونه میتواند
باشد...؟

در مواردیکه فشار گروه همکن
علت مصرف مواد توسط جوان
باشد، یکی از راههای حل مشکل
از بین بردن عادت مصرف دارو
در میان افراد آن گروه است .
پس چنانچه والدین کودکی که
عادت مصرف به دارو را از گروه
همکن و دوستانش کسب نموده
سعی کنند با پدر و مادر دوستان

تعداد صفحه ۴۷

از روشنفردی انسان را بریاد میدهد و نور انسان
را از اومی کیود، پیام جعفر صادق علیه السلام
مفروضه: لا تخرج کینه بیت تووگ. مزاج مناسجه
نوراست نواز بین میرود .
صما" ناگفته نماند که منظور از شوخی و مزاج
کردن مواردی است که انسان در برود، مزاج کردن
مسائل واقعی و باطنی را بر زمین آورده
و با مزاجت شوخی کردن. دچار افراط نشسته
بطوری که رفتار و شوکت آدمی را از بین برده
جویده و شهنش و عداوت میگرد و الاصل

مزاج در حد معتدل است و مستعدی است
در مواردی نیز موجب استقامت است
موت و با آن که طبع را در بعضی
شخصیات است که در بعضی
بعضی هرگز در بعضی
از عقل و خرد او که در بعضی
بعضی گروه خدایان است که در بعضی
همه انسان ها موظف هستند که در بعضی
خود و سایر انسان ها را محفوظ نگه دارند
و از افراط هر چیزی که موجب جنت و احترام
است خود داری نمایند .

بطور کلی میتوان گفت که اضطراب یک اختلالی است که در درون وجود طفل پیدامیشود که زیر بنای آن گرایشی به مبارزات درونی و تعهداتی است که طفل بدوش می کشد و در بسیاری از موارد اضطراب احساسی است که از بایست‌ها و نبایست‌هایی که طفل در خود می بیند سرچشمه میگردد، و همچنین بطور اعم اضطراب وقتی پیش می آید که طفل حقیقتاً "نمیداند چه چیز باعث آشفتگی او شده است .

چه اختلافی بین ترس و اضطراب وجود دارد؟

در ترس هاممولا" طفل بطور وضوح فکری کتد چه چیزی او را مورد تهدید قرار داده است . مثل یک نیش سوزن ، ولی در اضطراب شاید نتواند آنچه چیزی را که او را نگران کرده است توصیف کند زیرا چیزی او را ناراحت کرده که شناخت آن برای او مشکل است و بدین طریق ممکن است احساسی داشته باشد که منشاء آن نامفهوم ، بی معنا و متنوع باشد و چنین احساساتی ممکن است مبتنی بر یک سابقه وحشت زائی باشد یا نباشد و در ضمن امکان دارد که این احساس از آشفتگی ، نابسامانی تحریک اعصاب ، ناراحتی و فشار خشم و خصومت ریشه داشته باشد .

آیا اضطراب ها غالباً " بلا ارادی پیش می آید؟

بلف احساس اضطراب بطور اعم بلا ارادی است که بایمیشه برای شخص کاملاً " ناشناخته است و بایه شکلی است که نمیتوان فهمید چه گونه پیش آمده است .

روانشناس پاسخ میدهد



تهدید به مجازات که ممکن است باعث گسترش ترس در اطفال شود و طفل بیم آن را پیدا کند که او را مردود و یا متروک کنند و چنانچه در او احساسی بوجود بیاید که حقیقتاً "بچه بدی است" و مستوجب مجازات است بتدریج این فکر در او گسترش یافته به افسردگی و ملالت میرسد و در نتیجه خصومتی نسبت به شخصی که او را تنبیه کرده است در او ایجاد میشود و از این خصومت ممکن است وحشتی در او تولید شود.

ضمناً، ممکن است ترس در اطفال در نتیجه تهدیداتی پیدا شود که مبادا او را از پدر و مادر جدا سازند، و یا چنانچه پدر و مادر خود را ترسناک نشان بدهند ممکن است ترس در اطفال ریشه بگیرد، و گذشته از اینها نابسامانی جسمانی یا عقب ماندگی امکان دارد که در اطفال وحشتی بوجود بیاورد.

یکی دیگر از عواملی که در طفل ایجاد ترس میکند تهدیدی است که نسبت به خود پذیرد و خود شناسی او بشود زیرا در نتیجه ممکن است اعتماد به نفس از او سلب شده بسیار ترسوار بیاید و چنانچه لطمه به خود شناسی و خود پذیرد او در مدرسه بوقوع پیوندد این عامل بصورت حقیقت در میآید.

آیا اضطراب و هراس در اطفال بطور عادی پرورش پیدا میکند؟

در جریان پویش رشد عادی بطور طبیعی اطفال گرایشی به اضطراب و هراس (فوبی) پیدا میکنند. ضمناً "باید خاطر نشان ساخت که بسیاری از مردم تا زمان بلوغ همان ترس بیگانه و اضطراب مدت طفولیت را ادامه میدهند.

آیا واکنش اضطراب قابل تشخیص نیست؟

بطوریکه غالباً "مشاهده شده ریشه واکنش اضطراب ممکن است تشخیص داده نشود و بیک شخص که از احساس خشم و خصومتی وحشت زده شده باشد امکان دارد که نه فقط با احساس چنین هراسی بتواند بایک انتقاد مختصری راحت بشود بلکه احتمال دارد که بی نهایت ناراحت شود و به کسی حمله کند که حتی بسا و زحمتی هم نداده است (البته با استثنای موارد تصویری و یا فانتزی).

آیا هراس ها (فوبی ها) یک سنخ از تجلیات اضطراب است؟

بله - فوبی یا هراس یک قسم ابراز اضطراب است که شخص بدون اساس از یک چیز یا نظائر آن و یا چیزهای ایا موقعیت هائی دائماً "می ترسد در حالی که در حقیقت هیچگونه خطرواقعی در پیش نیست بطور مثال ترس از فضا و محیط - ط بسته (کلوستروفوبی) که در اصل منشاء و اساسی ندارد مدام ترسی در انسان بوجود می آورد و از این که در بسته است، بیمناک میشود و بهمین طریق است هراس بی جا از نقاط مرتفع (آکروفوبی) و یا وحشت بی اساس از ازدحام جمعیت (آگورافوبیا).

چه عواملی باعث میشود که ترس در اطفال گسترش یابد؟

عوامل بسیاری باعث گسترش ترس در اطفال می شود که از آن جمله است تنبیهات شدید و یا

و باید اورا درجه بدرجه کمک کرده درموارد ترس و وحشت تجربیات حقیقی را سخما "بکار بندد .

آیا اطفال میتوانند با معالجات روان پزشکی بر اضطراب غالب شوند؟

بله بسیاری از اطفال با کمک معالجات روان پزشکی که شامل اقسام مداوای روانشناسی روان کاوی و مددکاری اجتماعی است بر اضطراب فائق شده‌اند و بطور کلی معالجات روان پزشکی بوسیله اشخاص مجرب در زمینه سلامت فکرو سلامت روح انجام میشود که طفل را در تفهیم حل مشکلات خود و طرق مبارزه با آنها راهنمایی میکنند .



آیا رفتاری که از طرف اطرافیان طفل با او میشود در طرز رفتار و کردار او که باید خود را با آن بیورش دهد اشرفوق العاده دارد؟

بلی - رفتار و کردار اطرافیان طفل در طرز رفتاری که باید طفل خود را با آن همکام کند اثر ونفوذ بسیار دارد و طرز رفتار طفل در بیورش خود بر مبنای انعکاس ارزش یابی ایست که طفل فکر می کند مردم نسبت به او چه احساس و چه اندیشه‌ای دارند . اگر چنین ارزش یابی بی ارج باشد طرز رفتار طفل نسبت به شخص خودش هم بی ارج خواهد بود و اگر بالعکس چنانچه ارزش یابی ارجمند باشد خود شناسی در طفل بسیار افزون خواهد شد .

چه کمکی باید کرد که طفل بر ترس و وحشت غلبه کند؟

طرق بسیاری بکار برده شده است تا بتوان ترس را از طفل دور کرد و بهترین راه موفقیت اینست که به طفل کمک شود تا استعداد و لیاقت خود را افزایش بدهد تا بتواند سخما "راه عملی و متناسب پیدا کند که با ترس و وحشت مبارزه کند



یاد بدهند آنها خشمگین می شوند و در سنین دوتاسه طفل از لحاظ مبارزه با قدرت نهائی والدین و اشکالاتی که در ایجاد نظم برای عادت دادن به عملیات جسمانی و مشکلاتی که با همبازیهای پیش می آید غضبناک می شود و در سنین بین سه تا چهارخشم اطفال نظیر همان جریان ناراحتی های دوسالگی صورت می گیرد و در چهار سالگی بیشتر خشم بعلت واکنشهایی است که از اشکالات اجتماعی، عدم توافق با همبازیها سرچشمه میگیرد و مبارزه با قدرت نهائی بزرگترها بیشتر در این موقع تکرار و شدت پیدا میکند.

خشم و غضب چیست ؟

خشم و غضب مثل ترس عکس العملی است از تهدید پیش آمد حوادث، ولی تحریک خشم بیشتر از سرچشمه ایجاد نابسامانی بوجود می آید در صورتیکه در ترس، تحریک از منبع شروع نمی شود بطور مثال اگر یک شیرینی را از دست طفلی بگیرند معمولا " نسبت به کسی که شیرینی را گرفته خشمناک می شود و بطور زبانی یا عملی با او مبارزه میکند .

خشم چه قسم احساساتی در بردارد ؟

علل عمده ای که کودکان چهارساله و بالاتر غضبناک میشوند چیست ؟

در چهار سالگی و بالاتر، اشکالات روابط اجتماعی رو به تزاید است و بیش از هر چیز نمایشگر تمام ناراحتیهای کودک میباشد .

در خشم احساساتی نهفته است که یکدفعه انسان از جا درمی رود و این احساسات شامل کج خلقی، ترشروئی، احساس خصومت و احساس ناراحتی، قهر، تند مزاجی و امثال آن است .

کودک چگونه غضب خود را آشکار میکند ؟

اولین نشانه غضب کودک وقتی است که عملی باعلائق او بطور کلی تطبیق نکند و معمولا " با جیغ و گریه شدید مشهود میشود ولی بتدریج که بزرگتر میشود خشم او نسبت به شخص یا چیز معینی معطوف میگردد .

چه عواملی باعث میشود که کودک یکساله خشمگین شود ؟

نصف تمام خشم و از جا در رفتن کودکان تقریبا " یکساله از پوشاندن لباس، حمام کردن و سایر ناراحتی های جسمانی و منهیات و موانع صورت میگیرد .

به چه علت کودکان دویاسه ساله غضبناک میشوند ؟

همینکه بخواهند نظم و ترتیب جسمانی و یا رابطه اجتماعی را به کودکان دو ساله





سال دوم استخدام من بود اطلاع یافتم که در دورترین نقطه‌ی شهرداری محله‌ی کارگری دبستان دخترانه تاسیس شده است .

بتول کیانی

بنابه تقاضای خود از بهترین مدارس شهر به دبستان جدید التاسیس منتقل شدم ، حتی در انتقال خود پافشاری هم کردم که باعث تعجب اداره‌ی آن زمان شده بود .

مدرسه‌ای که من در سال اول تدریس می‌کردم هم دبستان بود و هم دبیرستان (دخترانه) از کلاس اول تا دوازدهم مشغول تحصیل بودند. در حدود دو هزار نفر شاگرد داشت و در قلب شهر واقع بود . من به صورت معلم ذخیره‌از کلاس اول ابتدایی تا یازدهم دور می‌زدم . و منزل من هم در همان نزدیکی واقع بود .

دبستان جدید التاسیس در دورترین نقطه‌ی شهر قرار داشت ، تا منزل من راه زیادی نبود می‌بایستی مسافت زیادی را پیاده روی کنم . نه

معلم می‌باشم معشایا که معلم
 معشایا که معلم می‌باشم معشایا که معلم
 معشایا که معلم می‌باشم معشایا که معلم

زدن بود، که اگر یکی از بچه ها تگانی بخورد یا لب باز کند یا خط کش یا سبزه دهد، بچه ها جرات نفس کشیدن را نداشتند.

چون آشنایی مختصری با خانم معلم مزبور داشتم، نزدیک شدم پس از سلام و احوالپرسی پرسیدم درس نداری؟ گفت چرا. دیکته داشتم بچه ها خودشان گفتند تصحیح کردند نمره را هم در دفتر وارد کردیم حالا هم ریاضی داریم حوصله ندارم، چون بزودی به شهر خودم منتقل خواهم شد در این کلاس بطور موقت نشسته‌ام، در حالی که از او خدا حافظی می‌کردم در این فکر بودم چگونه می‌توان نام او را معلم نهاد در حالی که بیکار نشسته و اطفال معصوم را بحال خود گذاشته است. حتی زحمت گفتن دیکته را بخود نمی‌دهد به این عنوان که بزودی منتقل خواهد شد!

بهر حال وارد دفتر شدم خودم را معرفی نمودم جالب اینجاست بجز یک دفتر دار مرد که سی و هفت یاسی و هشت ساله می‌نمود و یک خدمتکار زن که پیر بود و البته سرایدار هم بود، از مدیر مدرسه گرفته تا کلیه‌ی معلمین همه دختر جدیدالاستخدام بودند.

همینکه آمادگی خود را برای هر کلاسی اعلام نمودم مدیر مدرسه که دختر جوانی بود همان خانم معلم موقت را از کلاس (که کلاس پنجم بود) بیرون آورد و مرا به کلاس برده به بچه‌ها معرفی نمود.

درست یادم نیست که این کلاس پانجاه یا پنجاه و پنج نفر شاگرد داشت. آن روز کارم به آشنایی با بچه‌ها و پرسیدن از وضع خانواده و شناسایی پدرشان و آدرس آنها و ثبت در دفترچه یادداشت گذشت.

از تاکسی خبری بود و نه از هیچ ماشینی دیگر. مدرسه نیز آسفالت نبود. تا قوزک پانوی گل فرو می‌رفتیم. بجز دفتر که دوپله می‌خورد. و کلاس پنجم و ششم هم هر یک دارای یک پله بودند، بقیه کلاسها با زمین هم سطح بودند و بادر بهای شکسته که بطور عاریه سرپایان شده بودند و به زحمت بازو بسته می‌شدند حتی بعضی از کلاسها از سطح زمین هم پائین‌تر بود. دو سه تا پله می‌خورد. شباهت زیادی به زیرزمین داشت. حیاط مدرسه آنقدر چاله چوله بود که هنگام بارندگی آب تا زانوی بچه‌ها را فرامی‌گرفت، ناگزیر از چکمه‌ی پلاستیکی استفاده می‌کردند. حتی خود ما هم از آن بی‌نصیب نماندیم. می‌گفتند این مدرسه قبلاً "سلاخ خانه بود سپس گداهای شهر را جمع آوری کرده در آنجا نگاه می‌داشتند. حالا هم به صورت مدرسه درآمده اما به همه چیز شباهت داشت جز به مدرسه.

این مدرسه در حدود شصده نفر شاگرد داشت و در دو نوبت کار می‌کردند، بجز تعدادی انگشت شمار، که شاید به دهنه نفر هم نمی‌رسید بقیه بچه‌های کارگرواز محرومترین طبقات جامعه بودند.

درست به خاطر هست روز دهم مهر بود هنگام ظهر از دبیرستان به اداره رفتم و ابلاغم را گرفتم. بعد از ظهر همان روز برای معرفی خود به دبستان مذکور رفتم، هنگام ورود به مدرسه خانم معلمی را دیدم که صندلی خود را دم در کلاس گذاشته پشت به بچه‌ها با کتاب، خودش را باد می‌زد. بچه‌ها ساکت روی نیمکت نشسته بودند، یکی از دخترها خط کش بلندی در دست داشت و در کلاس مشغول قدم



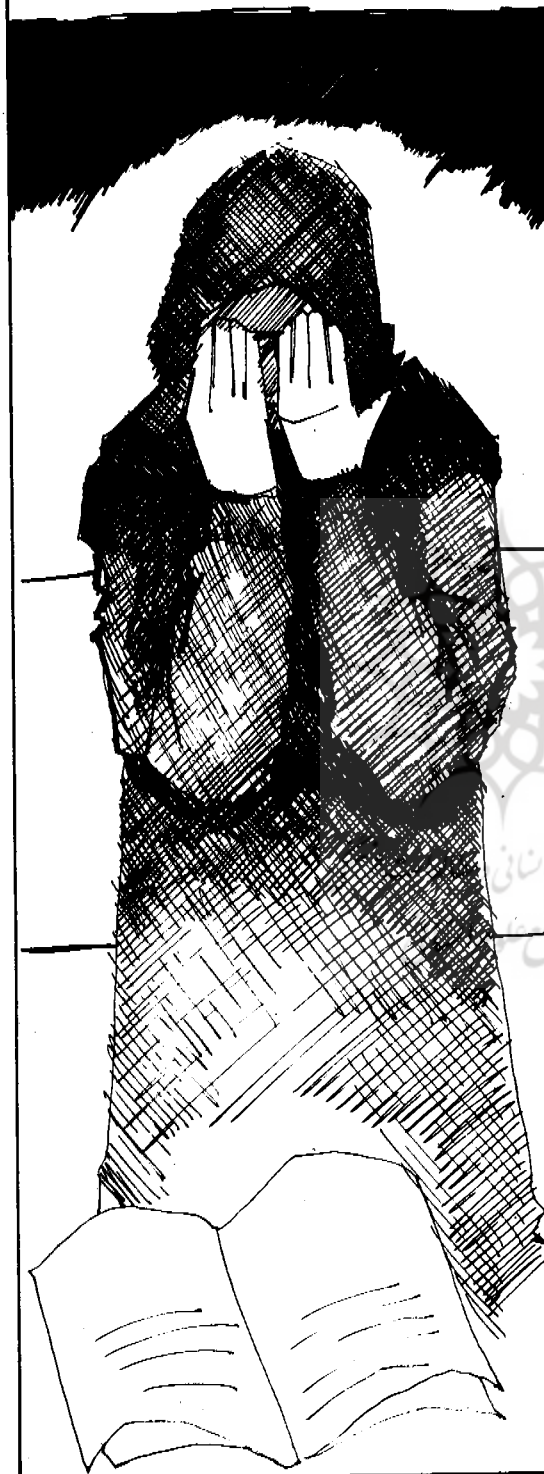
فهمیدم آن دختر خط کش بدست که بچه‌ها را به سکوت وامی‌داشت مبصر کلاس و جزء فرزندان آن ده نفر انگشت شمار بود.

پدرش مالک و شهره‌ی شهر بود. از پدرش داستانها می‌گفتند. هم‌ماز پدرش حساب می‌بردند. شایع بود پدرش بایکی از شاهپورها ارتباط مستقیم دارد. من اسم این دختر را فرشته می‌گذارم. داستان من با فرشته از اینجا شروع می‌شود.

روز بعد زنگ اول ریاضی داشتیم اول فرشته را پای تابلو بردم با کمال تحجب مشاهده کردم که فرشته در درس ریاضی بی‌حد ضعیف است. نمره‌ی تک گرفت که بی‌اندازه بد او برخورد و با خشونت گفتم:

من هیچوقت نمره‌ی تک نداشتم. گفتم: پس چرا حالا تک گرفتی، بلد نیستی یا نخواستنی جواب بدهی؟ با خشم سر برکردند و سکوت کرد! با خود گفتم شاید برای رفتن معلمش ناراحت است. و شاید در تصور او من کناهکارم اما اشکالی ندارد رفتارش بزودی تغییر خواهد کرد. آخر بین معلم و شاگرد آنچنان علاقه بوجود می‌آید که اگر وسط سال معلمی را به جای دیگری منتقل کنند مانند اینکه مادری را از فرزندانش جدا می‌کنند، منظره‌ای بس دلخراش دارد.

ساعت بعد املا داشتیم، فرشته این بار سیزده گرفت سخت ناراحت شد دفتر را بر زمین کوبید که توجه معلمی هستی به من نمره کم می‌دهی مگر نمی‌بینی تمام دیکته‌هایم بیست است و حسابم کمتر از هیجده نیست. بی‌حد ناراحت شدم خون سردی‌ام را حفظ کردم غلطهای دیکته‌ی او را پای تابلو برایش نوشتم، سپس دفتر کلاس را ملاحظه کردم دیدم راست می‌گوید دیکته‌ها همه بیست، حساب و سایر درسها کمتر از هیجده ندارد.



فرشته بلکه هرکس پشت سر من فحش گفت لازم نیست برای من بیاورند اصولاً " عادت کنند که خبر چینی نکنند که عادت ناپسندی است .
 فردایسش دزنگ تفریح جریان فرشته را برای معلمین بازگو کردم . هریک از آنها حتی آنهایی که مال این شهر نبودند و از شهرستان دیگر آمده و در اینجا استخدام شده بودند داستانهای رعب آوری از پدر فرشته گفتند . خود من هم که اهل بابل بودم داستانهای وحشتناک و باور نکردنی از اهالی قریبای که پدر فرشته اهل آنجا بودند شنیده ام من همچنان به حرفهای آنها گوش می دادم چیزی نمی گفتم ، اما از قیافه من پیدا بود که این حرفها در من موثر نبود .

دفتردار مدرسه همان مرد سی وهفت ساله که آشنایی خانوادگی نیز داشتیم با تاسف گفت :

فعلاً " زمام امور دست پدر فرشته هاست ، باید از ایشان ترسید اداری فرهنگ هم خیلی از او حساب می برد ، اگر بر علیه تو اقدام کند چه خواهی کرد ؟

خیلی جدی گفتم در مقابلش خواهم ایستاد حتی یک قدم عقب نشینی نخواهم کرد . در این هنگام زنگ کلاس به صدا درآمد . بچه ها صف بسته به کلاس رفتند . من و سایر معلمین برای رفتن به کلاس آماده شدیم . همین که از پله پائین آمدیم و در همین مورد بحث می کردیم دفتر دار به من نزدیک شد و از روی دلسوزی گفت بیا و دستاز این کارت بردار ، برای خودت و مدرسه در دسر درست نکن ! من از شنیدن این حرف ناراحت شدم با صدای بلند و جدی گفتم ، ما مربی تعلیم و تربیت این بچه ها هستیم ، نباید بین آنها تبعیض قایل شویم یا تحت تاثیر نفوذ خانوادگی و القاب و عناوین این و آن قرار بگیریم .

دفتر دیکته ای او را برداشتم ، دیکته ای که معلم قبلی بیست داده بود دوباره تصحیح کردم هشت غلط داشت . نمره دوازده گرفت . معلوم شد معلم بدون اینکه املاء او را تصحیح کند چشم بسته نمره ای بیست می داده . به او گفتم ، معلوم است مادر بی توجهی داری ، املاهایی را که بیست گرفتی بده به مادرت تصحیح کند تا معلوم شود که نمره ای تو چند است ؟ بلافاصله گفت مادرم بی سواد است گفتم بده به پدرت و از او بخواه همین دیکته ای که بیست گرفتی دوباره تصحیح کند . سپس خط کش را از دست او گرفتم و آمرانه به او گفتم برو سرچایت بنشین این کلاس احتیاجی به مبصر ندارد .

فرشته نه تنها مبصر کلاس بود بلکه شاگرد اول هم بود .

در درس املا همان روز یازده نفر از ده بیبالا گرفتند . پس از آن در درس حساب امتحان کتبی از بچه ها گرفتم فقط شش نفر از ده بیبالا گرفتند . فرشته در حساب کتبی نمره هفت گرفت .

دختر یک کارگر شاگرد اول کلاس شد ، املا بیست و حساب چهارده گرفت . این دختر جته ای بسیار ضعیفی داشت و از فرشته بسیار می ترسید . اصرار می ورزید که شاگرد اول همان فرشته باشد ! این موضوع به قدری بر فرشته گران تمام شد که از شدت خشم یکپارچه آتش شد ، هنگام رفتن به منزل رو کرده بچه ها بطوری که من بشوم . گفتم صبر کن پدرم از تهران بیاید پدری از این معلم در بیاورم که خودش حظ کند . من نشنیده گرفتم . بچه ها به تصور اینکه من نشنیدم بدون اینکه فرشته بفهمد جریان را به من رساندند . خیلی از فرشته حساب می بردند . به ایشان سفارش کردم که اینکارشان بسیار زشت است . نه تنها



اگر غیر از این باشد ظلمی است که به این بچه‌ها روا داشته‌ایم و آنها را نوسری خور و منحط بار آورده‌ایم . و به جامعه خیانت کرده‌ایم .

هرگاه توانستیم فرشته‌ها را تربیت کنیم و به آنها بفهمانیم که نان شهرت پدرانشان را نخورند و خود شخصیتی باشند و هزاران موارد دیگر آنوقت است که شایسته‌ی نام شریف معلمی هستیم . و اگر من هستم خواهید دید دختر فرماندار یا رئیس فرهنگ حتی دختر وزیر فرهنگ اگر در کلاس من باشند با دختر محرومترین طبقات جامعه روی یک نیمکت خواهم نشاند همه‌ی آنها را به یک چشم نگاه خواهم کرد . هرکس یکصدم نمره بیشتر آورد آن شاگرد اول است .

این را کفتم وارد کلاس شدم . چون کلاس من نزدیک دفتر بود بچه‌ها صدای مرا شنیدند . ولی آقای دفتر دار در حالی که متاثر شد گفت :

بایک گل بهار نمی‌شود امیدوارم موفق باشید و وارد دفتر شد .

چند روز گذشت فرشته مطلقاً " تکالیفش را انجام نمی‌داد ، توجهی به درس نداشت . حتی برای پاسخگویی درس پای تخته نمی‌آمد هرگاه چشمش به من می‌افتاد اخم کرده و زیر لب می‌غرید و روی برمی‌گرداند . تا اینکه پدرش از تهران آمد ملاهائی که از معلم قبلی بیست گرفته بود و دیکنه‌هایی که من تصحیح کردم نمره‌ی متوسط داشت به پدرش نشان داد . بنا کرد شمه‌ای از من بدگفتن و تعریف آنچه گذشته بود .

پدر فرشته دیکنه‌ی معلم قبلی را تصحیح کرد نمره بیست معلم قبلی شد ، یازده ونیم . به فرشته

سرگرم کارهای خودش است که هفته‌ها به منزل نمی‌رود و فرمانروای مطلق منزل مادرش و شوهر است . این دختر تمام کج رفتاری‌ها را از مادر بزرگ خود آموخته است حتی با مادرش بی‌سرده و ازار رفتار می‌کند . بویژه اینکه فرشته سوکلی مادر بزرگ خود و پدرش می‌باشد . او دیگر تغییر پذیر نیست .

دوست مادیکرشی دانست فرشته بدآموزی‌های خود را از مدرسه کسب کرده است .

آخر سال فرشته با معدل متوسط قبول شد . این را هم بگویم یک صدم نمره به او ارفاق نشد . فرشته هر نمره‌ای که گرفت در اثر کار و کوشش خود به دست آورد اما نمره‌ی انضباط او را پنج دادم . در اثر اعتراض مدیر و دفتر دار نمره انضباط فرشته ده شده بود .

من این سال را با چه جان‌کنندگی و با چه مشقتی پشت سر گذاردم . تنها در درس فرشته نبود شاگردان آنقدر ضعیف بودند که سه ماهه اول تنها کارم بشناسانند حروف و صدا با چه کدشت . همانطور که گفتم در آزمون سه ماهه اول پانزده نفر در درس املاء ازده به بالا گرفتند . در درس حساب بدتر از آن ، اما در ثلث سوم برعکس شد پانزده نفر ازده کمتر گرفتند و هفده نفر در درس حساب تجدید شدند . به حال پیشرفت قابل توجهی داشتند و با چه جان‌کنندگی آنها را روبراه کردم

گفت حق با معلم توست . تو باید درس بخوانی . این را فرشته برای بچه‌ها تعریف کرد .

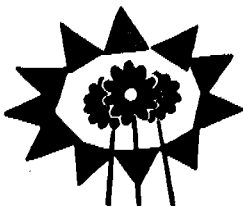
فرشته در عین حالی که خود خواه و مغرور بود صداقت هم داشت . نکته سنج بود پیش از سنش می‌فهمید .

پدر فرشته نزد مدیر مدرسه رفت نمی‌دانم بین آنها چه گفتگویی شد . همانقدر می‌دانم از مدیر مدرسه خواست که دخترش را به کلاس پنجم دیگر منتقل کند . آن معلم تحت عنوان اینکه شاگرد زیادی دارد و جایی برای نشستن نیست از پذیرفتن آن سرباز زد .

آخر فرشته با همه رفتار متکبرانسه داشت . در ثلث اول فرشته با حداقل نمره قبول شد ناکفته مانند در امتحان ثلث اول شاگردان در املاء پانزده نفر ازده به بالا گرفتند و در آزمون حساب هفت نفر نمره‌ی قبولی گرفتند .

فرشته دیده‌ها و پاسبان است ، اگر بدین طریق پیش برود در شدن او حتمی است تا کزیر به درس خواندن افتاد . تکالیفش را انجام می‌داد . دیکته‌هایش به هیچ‌جه نوزده حتی به بیست رسید . در سایر درسها حتی حساب پیشرفت قابل توجهی داشت . ولی در تمام مدت سال وقتی که وارد کلاس می‌شدم حتی یکبار نشد که فرشته به عنوان احترام از جایش بلند شود یا سلام بکند . هر وقت نگاههای ما با هم تلاقی می‌کرد از شدت خشم سرخ می‌شد و می‌گریه و سر برمی‌گرداند . هر وقت او را پای تابلو می‌بردم پشت به من می‌کرد و جواب می‌داد .

چندین بار کتبا " اولیای او را خواستم حتی یکبار نیامدند . تصمیم گرفتم وسیله‌ی یکی از آشنایان که با آنها نسبت نزدیکی داشت با مادر فرشته تماس بگیرم . آن دوست ما از زندگی دردناک مادر فرشته صحبت کرد که مادرش بی‌نهایت مظلوم و معصوم بوده و پدرش آنقدر



بقیه از ص ۱۵

فرزندان خود جدی باشند .

اما با توجه بشرائط سنی و استعداد های روانی کودکان ، نباید آموزش و تمرین نماز روی آنان با خشونت و سخت گیری واکراه و تحمیل انجام گردد که گاهی عبادت سنگین و طاقت فرسا ، موجب زدگی و سرخوردگی کودکان میشود ، و گاهی عکس العمل عصیان و تناهی بدنبال خواهد داشت ، چنانکه نمونه های عینی آنرا در برخی موارد ، مشاهده کرده ایم . بدین جهت است که طبق دستورات اسلامی اضافه بر اینکه تعادل در عبادت و نماز ، برای نوباوگان لازم شمرده شده است ، اقتصاد در عبادت برای دیگران نیز روش لازم و مطلوبی خواهد بود ، و حتی کسانی که در عبادت روشهای افراطی پیش میگیرند ، مورد مذمت و نهی واقع گردیده اند .

در صدر اسلام ، داستان زنی که نماز و روزه زیاد انجام میداد ، و برای خواب و خوراک خود جایی باقی نگذاشته بود ، در محضر پیامبر اکرم (ص) مطرح شد ، آنحضرت آن روش نماز و روزه افراطی و تحمیلی را نپذیرفت و بعنوان اعتراض فرمود : **وَلَكِنِّي اَصْلِي وَاَنَا مِ وَاَصَوْمُ وَاَفِطْرُ ، هَذِهِ سُنَّتِي فَمَنْ رَغِبَ عَنْهَا فَلَيْسَ مِنِّي** . (۱۶)

من هم نماز میخوانم و هم بخواب و استراحت میپردازم ، هم روزه میگیرم و هم افطار میکنم این سنت و شیوه من است و هر کس از سیره معتدلانه من سرپیچی کند از من نیست !

بنابر این ، از آنچه تا بحال خواندیم ، این نتایج بدست میآید :

۱- موثرترین و مفیدترین ، روش تربیتی پرستش است .

۲- کار برد و سازندگی پرستش روی جامعه بقدری حساس است که ، همه انبیاء و امامان

از این شیوه استفاده میکردند ، و نیز آنرا بدیگران میاموختند !

۳- تمرین عبادت نسبت به فرزندان از وظائف حتمی و لازم پدران و مادران است .

۴- سنی که فرزندان باید عبادت خود را آغاز کنند ، از پنج سالگی با رو بقبله قرار دادن آغاز میشود و حسب شناخت استعدادها و توان های آنان ، ارزش سالگی تا نه سالگی ، نسبت به پسران (دختران در نه سالگی مکلف میشوند و عبادت بر آنان واجب خواهد بود) با نماز تمرینی شروع میشود .

۵- پرستش به انسان عروج و تعالی میدهد .

۶- در تمرین عبادت ، روش سهل و معتدل باید اعمال گردد .

۷- سخت گیری و تحمیل در عبادت روانیست و مورد نهی اسلام واقع شده است .

۸- تحمیل و سخت گیری زیاد ، درباره عبادت گاهی عکس العمل عصیان روی افراد خواهد داشت !

۹- کسی که در عبادت روش افراط پیش میگیرد

از سنت پیامبر (ص) اعراض کرده و مورد تنفر آنحضرت واقع میشود !

۱۰- و سرانجام ، در آموزش و انجام پرستش سیرد و شیوه و سفارشهای پیسویان عالیمقام اسلام ، باید مورد توجه دقیق قرار گیرد . والسلام

۱- سوره طه ، آید ۱۳

۲- سوره عنکبوت ، آید ۴۵

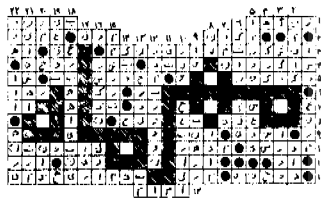
۳- سوره بقره ، آید ۱۸۳

۴- سوره توبه ، آید ۱۰۳

۵- سوره آل عمران ، آید ۹۷

تجدید

سار از درخت همسراه بود.
 چیزی رادرنبر خاک پنهان کردن ۵- مقصود و
 آرزو . فاصله میان دو انگشت دست ۶- پیدا
 نشدنی . بدبهاو کرداره‌های زشت ۷- اگر دوبار
 تکرار شود معنی پاره پاره میدهد . سره
 ۸- میدهد و رسوا می کند . زورق ۹- فرارگاه .
 شاستگی . من وتو ۱۰- انلاف بی لاف - وارون
 ۱۱- خورشید عالمتاب . هر چیز پوشیدنی و بارو
 بنه ۱۲- تربیت . نیابت ۱۳- یاداش . یکی
 از پیغمبران با تغییر حرف آخر ۱۴- ان ترطوبت
 دایم در میدان جنگ ۱۵- منزلی در راه آخرت .
 اگر ریان داشت خوش سخن بود . سرشت و نهاد

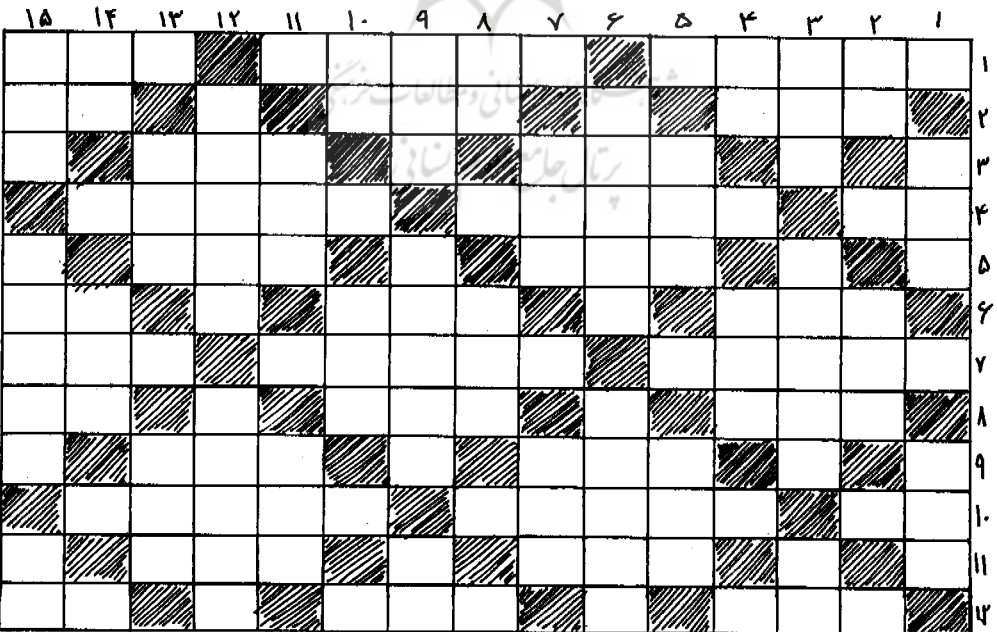


درکشاکن دهر . اردر جان خوش سایه و کم
 اهنت . هاهمه بلندی خوردن آن از مردم
 آزاری بهتر است ۷- برر کواری و بلند قدری .
 بی عیب بودن و سدرستی . اگر سرغره ناشد
 بعد از صرف غذا فراوان است ۸- اطمان و
 آرامش قلب . اعتراف کننده . ارحوف عسی
 ۹- یکی از اوساط . نوعیت امواج ۱۰- بساوندی
 در آخر کلمات معنی دارنده و کنیده . دلگیری
 و بردلی . جوانمردی و کرم ۱۱- یکی از ابواب .
 تند و تیر و با حرارت ۱۲- ندولی و ضعف قلب . هر
 دوری که زمسن بدور خورشید سرمد آتسفر
 عمودی :

- ۱- حرار خدا از هیچکس دیگر حار نیست .
- خلاف طلعت ۲- اعدار گر اعداد طبیعی
- ... مهر سه چشمان زهر بیرون نخواهد
- شد . ۳- خلی کوچک . امیر خاکن العاده که از
- کسی غیر از پیغمبر و امام دیده بود . کسی از
- اساطله ۴- در گذشته سرد شدن آن و بریدن

افسسی :

۱- اگر نباشد من و تو هم نباید باشیم .
 به هر کس شد سلیمان می توان گفتش که ... شد .
 نشان دهنده حالات درونی در رخسار ۲- جویند
 کسی زهر در کام خلق ... بگذر آب نوشی
 بخلق . بقدری از زمان . شعر ۳- کشته
 بودن آن نشانه مهارت صاحب آن است . حالت
 انفعال ۴- رها و آزاد . زمانی که خورشید از خط
 استوا بطرف یکی از قطب ها سرود در سنکهره
 معطل . تدریس و یاد دادن ۵- از حیوانات .
 باین بودن درجه حرارت ۶- سنگ رسین آسنا



بقیه از صفحه ۴۳

آن مرد بمناسبتی یک کودک خود را مورد لطف و نوازش قرار داده و او را بوسید و به آن دیگری عنایتی نکرد. رسول خدا (ص) بعنوان اعتراض و سرزنش فرمود فهلا ساویست؟ پس چرا مساوات را درباره آن ها رعایت نکرده و تبعیض روا داشته ای؟ . غرض این است که اگر بنسای بوسه و محبتی است درباره همه کودکان به تساوی باید باشد نه تنها برای یک نفر.

با کودکان با دیده منفور نسری مبی نکود .
 رسول خدا (ص) فرمود : **اَعْدِلُوا بَيْنَ اَوْلَادِكُمْ كَمَا تُحِبُّونَ اَنْ يَّعْدِلُوا بَيْنَكُمْ فِي الْبِرِّ وَاللِّطْفِ .**
 (نهج الفصاحه) بین فرزندان خود به عدالت رفتار کنید ، همانگونه که دوست دارید در بین شما از لطف و نیکی به عدالت رفتار شود . وهم در شرح حال رسول خدا (ص) آورده اند :
 روزی مردی مادومرزندش در حضور او بودند .

بقیه از صفحه ۶۴

۱۳ و ۱۴ - عبادت در اسلام ، ص ۱۱۴ - ۱۱۳
 ۱۵ - در جنگ صفین وقتی علی (ع) نماز بیای داشت مورد اعتراض " ابن عباس " قرار گرفت اما آنحضرت جواب داد : ما با دشمن جهاد میکنیم ، بخاطر عبادت خداوند که ، در نماز عنینت می یابد ، عبادت در اسلام ص ۲۰۵
 ۱۶ - محجه البیضاء ج ۲ ص ۳۷۰

- ۶ - سوره اعراف ، آیات ۶۵ ، ۷۳ ، ۸۵ - سوره مومنون ، آیه ۲۳
 ۷ - سوره آل عمران ، آیه ۵۱
 ۸ - سوره ذاریات ، آیه ۵۶
 ۹ - مکارم الاخلاق ص ۱۱۵
 ۱۰ - وسائل الشیعه ج ۲ ص ۳
 ۱۱ - مستدرک الوسائل ج ۱ ص ۱۷۱
 ۱۲ - سفینه البحار ج ۱ ص ۴۲



ادب و دانش برترین میراث است
 علی علیه السلام
 خطاطی باقرانی

اهدائی نخبان و مربیان زبان دوازدهمین شماره